

مقاله‌ی تحلیلی-تطبیقی در فلسفه‌ی سیاسی

بررسی تاریخی، مکتبی و تطبیقی مفهوم آزادی در اندیشه‌ی سیاسی

آزادی به مثابه...

جغرافیای مفهومی، امواج تاریخی و تحلیل تطبیقی
گفتمان‌های رقیب در فلسفه‌ی سیاسی

مهدی سالم

پژوهشگر و نویسنده در حوزه‌ی
گذار دموکراتیک و فلسفه‌ی سیاسی

MahdiSalem.com

۳ اسفند | ۱۴۰۴ | ۲۲ فوریه ۲۰۲۶

چکیده

این مقاله‌ی تحلیلی-تطبیقی، مفهوم آزادی را از سه منظر بررسی می‌کند: نخست، **جغرافیای مفهومی** آن را در قالب نقشه‌ای از تعبیرسازی‌های تاریخی ترسیم می‌کند؛ دوم، **امواج تحول** این مفهوم را از دوران باستان تا دوران دیجیتال دنبال می‌کند؛ و سوم، **تحلیل تطبیقی** مکاتب رقیب-از لیبرالیسم تا مارکسیسم، از جمهوری‌خواهی تا فمینیسم، از سنت تحلیلی تا سنت قاره‌ای-را با تمرکز بر دشمنان مفهومی، انسان‌شناسی‌های زیربنایی، و تنش‌های ساختاری ارائه می‌دهد. در پیوست‌ها، سنت اسلامی-ایرانی با عمق بیشتری تحلیل می‌شود.

کلیدواژه‌ها: آزادی منفی، آزادی مثبت، عدم سلطه، قابلیت، خودفرمانی، رهایی، سنت جمهوری‌خواه، لیبرالیسم، فلسفه‌ی سیاسی تطبیقی

فهرست مطالب

فهرست مطالب

۱	جغرافیای مفهومی آزادی: نگاهی شماتیک	۳
۱.۱	خط زمانی: ۲۵۰۰ سال تعبیرسازی آزادی	۳
۲.۱	نقشه‌ی مکتبی: چه کسانی با چه کسانی گفتگو داشتند؟	۳
۳.۱	ماتریس مقایسه‌ای: متفکران و ابعاد آزادی	۳
۴.۱	نقشه‌ی دشمنان مفهومی آزادی	۴
۲	امواج تحول: زمینه، نظریه، نتیجه، نقد	۶
۱.۲	موج اول: از بردگی تا شهروندی (دوران باستان)	۷
۲.۲	موج دوم: اختیار، اراده و الهیات (قرن وسطی)	۷
۳.۲	موج سوم: حق طبیعی، قرارداد، و انقلاب (مدرن اولیه)	۸
۴.۲	موج چهارم: فردگرایی، رهایی، ایدئالیسم (قرن ۱۹)	۸
۵.۲	موج پنجم: آزادی منفی در برابر مثبت (قرن ۲۰)	۹
۶.۲	موج ششم: قابلیت، شناسایی، و رهایی‌بخشی (معاصر)	۱۰
۳	تحلیل تطبیقی مفهوم آزادی در فلسفه‌ی سیاسی	۱۱
۱.۳	مقدمه و روش‌شناسی	۱۱
۲.۳	آزادی منفی: از هابز تا برلین	۱۱
۱.۲.۳	صورت‌بندی اولیه: هابز	۱۱
۲.۲.۳	کمال‌یابی با آیزایا برلین	۱۱
۳.۲.۳	نقدهای وارد بر برلین	۱۲
۳.۳	آزادی مثبت: از روسو تا تیلور	۱۲
۴.۳	آزادی جمهوری‌خواهانه: عدم سلطه	۱۳
۵.۳	رویکرد قابلیت: سن و نوسبام	۱۳
۶.۳	آزادی در مکاتب راست، چپ، و میانه	۱۴
۱.۶.۳	تنش‌های ساختاری: سه بحران اصلی	۱۴
۷.۳	آزادی اگزیستانسیالیستی: انتخاب، مسئولیت، هستی	۱۵

۱۵	۸.۳ آزادی فمینیستی و پسااستعماری
۴ مفاهیم مجاور و زیست‌بوم مفهومی آزادی	
۱۶	۱.۴ نقشه‌ی زیست‌بوم مفهومی آزادی
۱۶	۲.۴ مفاهیم مجاور: تشریح تطبیقی
۱۷	۳.۴ دشمنان مفهومی: فهرست تفصیلی
۵ آثار اصلی نظریه‌پردازان: راهنمای مطالعه	
آ پیوست الف: آزادی در سنت اسلامی-ایرانی	
۲۱	آ.۱ آزادی در برابر بردگی: تقابل اسلام و یونان باستان
۲۱	وضعیت بردگی در پولیس یونانی
۲۱	پاسخ اسلامی: توحید و کرامت عمومی
۲۱	مقایسه‌ی تطبیقی: اسلام در برابر یونان
۲۱	آ.۲ آزادی و استبداد در حکمرانی: تنش اصلی سنت اسلامی-ایرانی
۲۱	ساختار کلاسیک: امامت، خلافت، و سلطنت
۲۲	آ.۲.۱ بحث آزادی در اندیشه‌ی متکلمان
۲۳	آ.۲.۲ بحث ایرانشهری: آزادی در سنت اندیشه‌ی سیاسی ایرانی
۲۳	آ.۲.۳ سنت اندرزنامه‌ای و عدالت پادشاهی
۲۳	آ.۲.۴ انتقاد طباطبایی: افول اندیشه‌ی سیاسی ایرانی
۲۳	آ.۲.۵ طبقه‌بندی مواضع درباره‌ی اسلام و آزادی
ب پیوست ب: تشریح تکمیلی نکات تحلیلی	
۲۴	ب.۱.۱ انسان‌شناسی زیربنایی هر مکتب
۲۴	ب.۱.۲ تنش‌های ساختاری: پنج بحران حل نشده
۲۷	ب.۱.۳ سنت تحلیلی و قاره‌ای: یک گفتگوی ناتمام
۲۸	ب.۲ آزادی در مکاتب راست، چپ و میانه: تحلیل تقابلی
۳۰	ب.۲.۱ آزادی در سنت پسااستعماری و فمینیستی
۳۰	ب.۲.۲ آزادی در عصر دیجیتال: چالش‌های معاصر
۳۲	ب.۲.۳ جمع‌بندی: نقشه‌ی تنش‌های حل نشده

۱ جغرافیای مفهومی آزادی: نگاهی شماتیک

درباره‌ی این بخش

در این بخش، مفهوم آزادی را نه با کلمات، بلکه با نقشه‌ها، خط‌های زمانی، و نمودارهای تعاملی می‌کاویم. هدف: پیش از هر تحلیل عمیق، یک تصویر کلی و شماتیک از جغرافیای این مفهوم داشته باشیم.

۱.۱ خط زمانی: ۲۵۰۰ سال تعبیرسازی آزادی

شکل ۱: خط زمانی تعبیرسازی‌های اصلی از مفهوم آزادی



۲.۱ نقشه‌ی مکتبی: چه کسانی با چه کسانی گفتگو داشتند؟

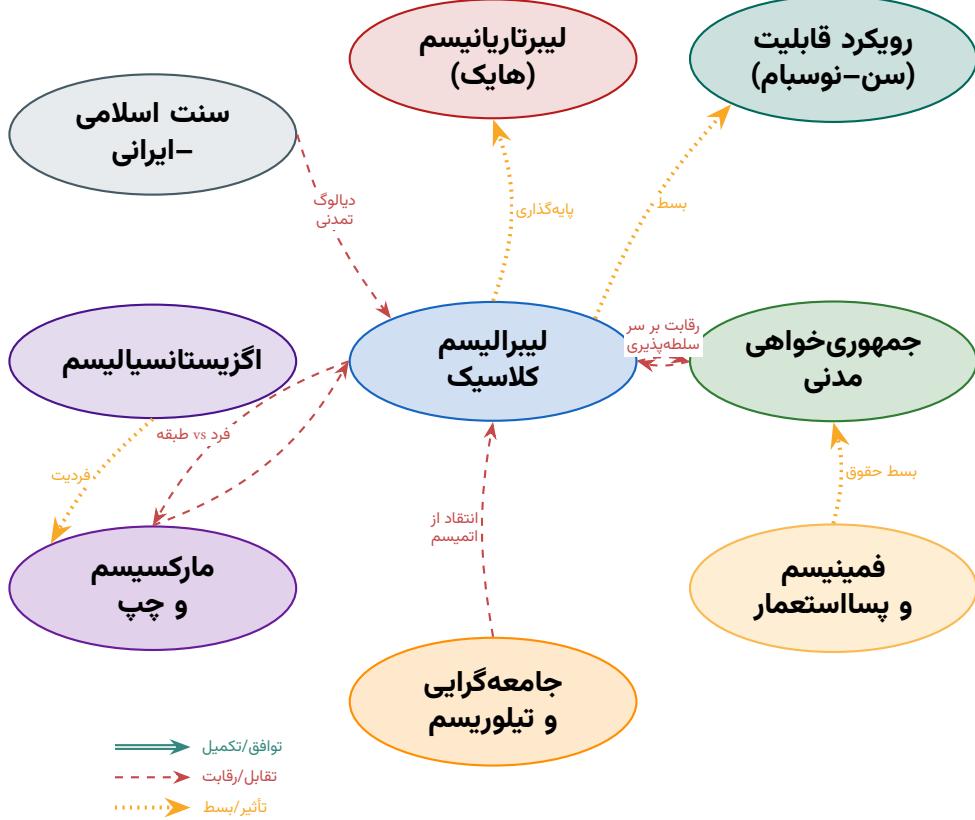
۳.۱ ماتریس مقایسه‌ای: متفکران و ابعاد آزادی

راهنمای ماتریس

هر خانه نشان می‌دهد که آیا آن متفکر آن بُعد از آزادی را تأیید (+)، رد (-) یا تا حدی قبول (+/-) می‌کند.

۴.۱ نقشه‌ی دشمنان مفهومی آزادی

شکل ۲: نقشه‌ی مکتبی و گفتگوهای میان مکتبی در فلسفه‌ی آزادی



هر تعریف از آزادی، هم‌زمان یک یا چند «دشمن مفهومی» می‌سازد: چیزی که ناقص یا ضد آزادی است. این دشمنان خود گویای بیشترین چیز درباره‌ی هر نظریه هستند.

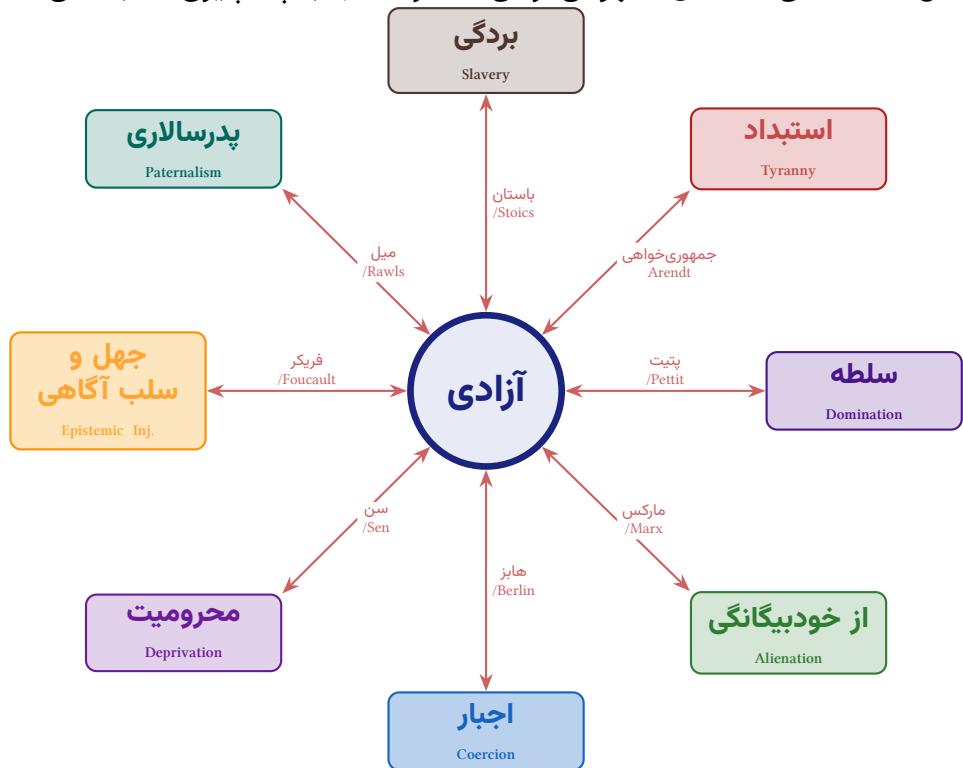
جدول ۱: ماتریس تطبیقی متفکران و ابعاد آزادی

متفرگ	عدم مداخله	عدم سلطه	قابلیت	مشارکت	رهایی	شناسایی	طبعیت
Hobbes							
Locke							
Rousseau							
Kant							
Mill							
Marx							
Hegel							
Berlin							
Rawls							
Hayek							
Pettit							
Sen							
Arendt							
Foucault							
Butler							
Taylor							

رد یا غیبت دوسره/مشروط پذیرش تأکید قابل توجه تأکید اصلی

۲ امواج تحول: زمینه، نظریه، نتیجه، نقد

شکل ۳: نقشه‌ی دشمنان مفهومی آزادی – هر مکتب با چه چیزی مقابله می‌کند؟

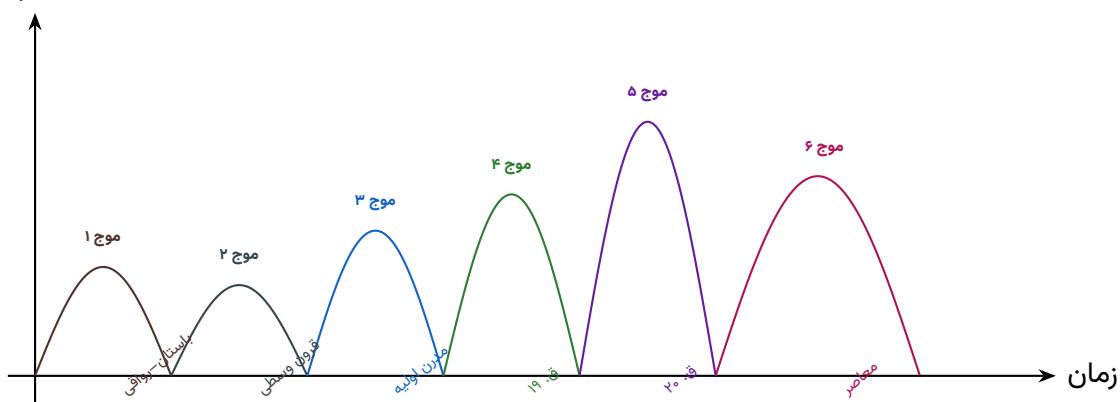


چارچوب تحلیل امواج

هر موج شامل چهار عنصر است: (۱) بستر تاریخی که آن را ضروری کرد؛ (۲) نظریه‌ی اصلی که آن موج تولید کرد؛ (۳) نتایج سیاسی و اجتماعی آن؛ و (۴) نقد و واکنش موجی که پس از آن آمد.

شکل ۴: نمودار امواج تحول در مفهوم آزادی

شدت بحث



۱.۲ موج اول: از بردگی تا شهروندی (دوران باستان)

موج اول | دوران باستان | 500 BC – 500 AD

بستر تاریخی:

پولیس یونانی بر دو پایه استوار بود: ارسطو آزادی را در قالب **بیوس پولیتیکوس** شهروندان آزاد، و بردگانی که آن آزادی را (زندگی سیاسی مشارکتی) تعریف کرد. ممکن می‌کردند. آزادی () نه رواقیون رادیکال‌ترین پاسخ را دادند: آزادی یک حق عام، بلکه یک امتیاز مشروط به درون انسان است، نه در دنیای بیرون— جنسیت، نژاد و ثروت بود. جنگ‌های حتی برده هم می‌تواند آزاد باشد اگر ایرانی-یونانی (۴۹۰-۴۷۹ ق.م.) آزادی را اراده‌اش را از وابستگی به امور خارجی رها کند.

نقد:

آزادی=شهروندی	آزادی مبتنی بر بردگی؟ تناقض	پایه‌ی بنیادی
دموکراسی شد		رواقی‌گری به فردیت درونی
رواقی‌گری به فردیت درونی	نادیده گرفتن ساختارهای بیرونی	نادیده اهمیت داد
اساس حقوق طبیعی بعدی	ناتوانی در اصلاح نظام بردگی	

نتایج:

۲.۲ موج دوم: اختیار، اراده و الهیات (قرن وسطی)

موج دوم | قرون وسطی | 500 – 1400 AD

بستر:

سقوط روم، تأسیس نهاد کلیسا، و **آگوستین**: اراده‌ی آزاد هست، اما گناه آن جدال‌های الهیاتی بر سر گناه، فیض و را کور کرده؛ آزادی واقعی=رهایی از گناه از اراده‌ی آزاد. سؤال اصلی: آیا انسان طریق فیض الهی.

توماس آکویناس: تلفیق ارسطو و گناهکار اصلاً اراده‌ی آزاد دارد؟ این سؤال مسیحیت؛ عقل طبیعی می‌تواند به آزادی هم سیاسی بود، هم متفاہیزیکی.

واقعی رهنمون شود.

غزالی: اراده‌ی انسان در چارچوب قضا و قدر.

نتایج:	نقد:
تحلیل عمیق اراده و اختیار	تمرکز بر نجات فردی، نه آزادی سیاسی
پایه‌ی حقوق طبیعی توماسی	مشروعيت‌بخشی به سلسله‌مراتب کلیسا
گفتگوی اسلامی-مسيحی	تنش اراده‌ی آزاد/جبر حل نشده

۳.۲ موج سوم: حق طبیعی، قرارداد، و انقلاب (مدرن اولیه)

موج سوم | مدرن اولیه | 1600 – 1800

بستر:	نظریه:
جنگ‌های مذهبی، رنسانس، اصلاح دینی، هابز: آزادی=عدم مانع فیزیکی؛ آزادی انقلاب‌های انگلیس (۱۶۴۲ و ۱۶۸۸) و طبیعی در برابر لویاتان.	آزادی=عدم مانع فیزیکی؛ آزادی فرانسه (۱۷۸۹). آدام اسمیت، نیوتن، و لاک: آزادی=حق مالکیت و حق طبیعی؛ علم جدید. پرسش: چه چیزی حکومت رضایت پایه‌ی مشروعيت.
روسو: آزادی واقعی=اطاعت از اراده‌ی عمومی که خود انسان آن را ساخته.	روسو: آزادی واقعی=اطاعت از اراده‌ی کانت: آزادی=خودقانون‌گذاری عقل؛ اخلاق بدون ترس.
نتایج:	نقد:
اعلامیه‌های حقوق بشر دموکراسی لیبرال	قراردادگرایی انتزاعی زنان، بردگان، مستعمرات خارج مانند
تفکیک قوا، سکولاریسم	تناقض روسو: اجبار به آزادی؟

۴.۲ موج چهارم: فردگرایی، رهایی، ایدئالیسم (قرن ۱۹)

موج چهارم | قرن نوزدهم | ۱۸۰۰ – ۱۹۱۴

نظریه: بستر: انقلاب صنعتی، شهرنشینی، پرولتاریا، هگل: آزادی=شناخت ضرورت + تحقق ناسیونالیسم.

رشد اقتصاد بازار. عقل در تاریخ + دولت اخلاقی.

میل: آزادی=حق به حوزه‌ی خصوصی؛ بحران‌های اجتماعی ناشی از سرمایه‌داری. رمانتیسم در برابر روشنگری. انقلاب‌های «اصل آسیب».

مارکس: آزادی واقعی=رهایی از کار بیگانه‌شده + نابودی طبقه.

نیچه: آزادی=اراده‌ی قدرت؛ آزادی نه از قانون بلکه برای آفرینش.

نتایج:

احزاب کارگری و سوسیالیسم

مارکسیسم: آزادی پس از انقلاب

حقوق مدنی، اتحادیه‌ها

کند

نیچه: الیتیسم؟

فمینیسم موج اول

۵.۲ موج پنجم: آزادی منفی در برابر مثبت (قرن ۲۰)

موج پنجم | قرن بیستم | ۱۹۱۴ – ۱۹۹۰

نظریه: بستر: جنگ‌های جهانی، توتالیتاریسم (فاشیسم

برلین (۱۹۳۳): آزادی منفی («آزادی از») در و استالینیسم)، جنگ سرد. نزاع برابر مثبت («آزادی برای»).

استقلال هایک: آزادی=نظم خودجوش؛ دولت لیبرالیسم و کمونیسم. کشورهای مستعمره. جنبش حقوق مدنی رفاه=سرویلیتی.

آرنت: آزادی=کنش در فضای عمومی، نه درونگرایی.

رالز: آزادی=اولین اصل عدالت + توزیع عادلانه.

نقد:

آزادی منفی از نابرابری چشم
می‌پوشد
تیلور: برلین ناقص است
پتیت: سلطه‌ی غیرتداخلگر
وجود دارد

نتایج:

سند جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸
دولت رفاه سوسیال‌دموکرات
بازار آزاد نئولیبرال

۶.۲ موج ششم: قابلیت، شناسایی، و رهاییبخشی (معاصر)**موج ششم | معاصر | 1990 – present****نظریه:**

پایان جنگ سرد، جهانی‌شدن، انفجار سن/نوسبام: آزادی=داشتن قابلیت‌های اطلاعات، بحران اقلیمی، جنبش‌های اساسی برای زندگی شایسته.
هویتی (MeToo, BLM)، دموکراسی‌های پتیت: آزادی=عدم سلطه؛ حتی سلطه‌ای رو به تنزل. فناوری دیجیتال و نظارت.
تیلور: آزادی=شناسایی و اعتراض به هویت.
فوکو/باتلر: آزادی= مقاومت در برابر گفتمان‌های نرم‌الساز.

نقد:

رویکرد قابلیت در سیاست خطر نسبیت‌گرایی فرهنگی توسعه سیاست‌های شناسایی تنش قابلیت/کارایی اقتصادی آزادی دیجیتال و حریم خصوصی چه کسی قابلیت‌ها را تعریف می‌کند؟

نتایج:

۳ تحلیل تطبیقی مفهوم آزادی در فلسفه‌ی سیاسی

۱.۳ مقدمه و روش‌شناسی

مفهوم آزادی یکی از پرمناقشه‌ترین واژگان در فلسفه‌ی سیاسی است. به گفته‌ی آیزاک برلین، آزادی آنقدر معانی گوناگون دارد که «تاریخ این کلمه، آینه‌ی تاریخ بشریت است».^۱ این مقاله تلاش می‌کند نه آزادی را تعریف کند، بلکه **جغرافیای تعریف‌ها** را ترسیم نماید: این تعریف‌ها در پاسخ به چه پرسش‌هایی ظهور کردند، با چه رقیبانی درگیر شدند، و چه پیامدهایی داشتند.

روش‌شناسی این مقاله ترکیبی از سه رویکرد است:

۱. **تحلیل تاریخی-مفهومی** (Cambridge School – Skinner, Pocock): هر مفهوم در بستر زبانی و تاریخی خود فهمیده می‌شود؛

۲. **تحلیل تطبیقی ساختاری**: مقایسه‌ی نظام‌مند تعابیر مختلف بر اساس پنج معیار: دشمن مفهومی، انسان‌شناسی، رابطه‌ی فرد/جامعه، موضع درباره‌ی دولت، و قلمرو کاربرد؛

۳. **تحلیل تنش‌های درونی**: شناسایی تناقضات و تنش‌های ناگزیر در هر نظریه.

۲.۳ آزادی منفی: از هابز تا برلین

۱.۲.۳ **صورت‌بندی اولیه: هابز** – توماس هابز در لویاتان (۱۶۵۱) آزادی را به صورتی کاملاً مکانیکی تعریف کرد: «یک انسان آزاد کسی است که در انجام آنچه اراده، قدرت، و فهم دارد، هیچ مانع نداشته باشد.»^۲ این تعریف عمدتاً فرد را اتم فیزیکی فرض می‌کند که در فضای اجتماعی حرکت می‌کند: آزادی= غیبت مانع خارجی. پیامد مهم این است که قانون-هر قانونی-به خودی خود محدودیت آزادی است، حتی اگر توسط خود فرد پذیرفته شده باشد. این صورت‌بندی بنیادین ضعیی دارد: اگر کسی در قفس طلایی باشد که هیچ‌گاه در آن توقفی نمی‌کند (چون هرگز نمی‌خواهد از قفس خارج شود)، آیا آزاد است؟ برلین این مشکل را بعدها با مثال «بیماری» توضیح داد.

۲.۲.۳ **کمال‌یابی با آیزاک برلین** – مقاله‌ی کلاسیک آیزاک آیزاک برلین، «دو مفهوم از آزادی» (۱۹۵۸)، تمایز تأثیرگذاری میان **آزادی منفی** و **آزادی مثبت** کشید:

Berlin, I. (1969). *Four Essays on Liberty*. Oxford University Press, p. 121.^۱

Hobbes, T. (1651/1994). *Leviathan*. Indianapolis: Hackett, ch. 21.^۲

تمایز برلین	
آزادی مثبت (Positive)	آزادی منفی (Negative)
«آزادی برای»	«آزادی از»
پرسش: چه کسی ارباب من است؟	پرسش: آیا کسی مانع من است؟
دشمن: وابستگی، عقلانیت ناقص	دشمن: اجبار و مداخله
مقیاس: کنترل بر خود و زندگی	مقیاس: حوزه‌ی بدون مانع

برلین نگران آن بود که آزادی مثبت می‌تواند به **توالیتاریسم** منجر شود: اگر دولت ادعا کند که «خود واقعی» شما را—که ظاهراً می‌خواهد در سوسیالیسم زندگی کند—از «خود تجربی» شما که می‌خواهد سیگار بکشد، جدا کند، دولت می‌تواند اجبار را در نقاب آزادی پنهان کند.

۳.۲.۳ نقدهای وارد بر برلین – چارلز تیلور استدلال کرد که تمایز برلین ساده‌انگارانه است: آزادی منفی هم همیشه به ارزیابی‌ای درباره‌ی اهمیت اهداف نیازمند است. ما همیشه بین موانع مهم و کم‌اهمیت تمایز می‌گذاریم—یعنی ناخودآگاه به آزادی مثبت تکیه داریم.^۳ جرالد مکالوم پیشنهاد کرد که آزادی همیشه یک رابطه‌ی سه‌تایی است: X از Y آزاد است برای انجام Z. هر اظهاری درباره‌ی آزادی ضمناً درباره‌ی هر سه پارامتر حرف می‌زند.^۴

۳.۳ آزادی مثبت: از روسو تا تیلور

سنت آزادی مثبت ریشه در ایده‌ی خودفرمانی دارد. **ژان ژاک روسو** معتقد بود آزادی واقعی نه اطاعت از قانون دیگری، بلکه اطاعت از قانونی است که خود انسان وضع کرده: «اطاعت از قانونی که خود برای خود نوشته‌ایم آزادی است.»^۵

این سنت از طریق **کانت**—که خودقانون‌گذاری عقل عملی را کانون اخلاق و آزادی دانست—به ایدئالیسم آلمانی و سپس به لیبرالیسم تجدیدنظرطلب انگلیسی (تی.اچ. گرین، بوزانکه) رسید.

تی.اچ. گرین مهم‌ترین صورت‌بندی را ارائه داد: آزادی واقعی نه «رهایی از همه‌ی محدودیت‌ها»، بلکه «قدرت مثبت برای انجام یا لذت‌بردن از چیزی ارزشمند» است.^۶ این صورت‌بندی آزادی را با توسعه‌ی توانایی‌های انسانی پیوند زد و پایه‌ی دولت رفاه را ریخت.

۴.۳ آزادی جمهوری‌خواهانه: عدم سلطه

Taylor, C. (1979). What's wrong with negative liberty? In A. Ryan (Ed.), *The Idea of Freedom*. Oxford.^۳

MacCallum, G. (1967). Negative and positive freedom. *Philosophical Review*, 76(3), 312–334.^۴

Rousseau, J.-J. (1762/1968). *The Social Contract*. Harmondsworth: Penguin, Book I, ch. 8.^۵

Green, T.H. (1881). Liberal legislation and freedom of contract. In R.L. Nettleship (Ed.), *Works of T.H.*^۶

Green. London.

فیلیپ پتیت در جمهوری خواهی (۱۹۹۷) رویکرد سومی معرفی کرد که ادعا می‌کند از هر دو سنت قبلی رادیکال‌تر است:

آزادی به مثابه عدم سلطه

آزادی منفی برلین می‌گوید: آزادم مدامی که کسی مداخله نکند. اما این کافی نیست. یک بردۀ در دست ارباب مهربانی که اتفاقاً هرگز مداخله نمی‌کند همچنان بردۀ است—چون ارباب می‌تواند مداخله کند. **عدم سلطه** یعنی دیگران حتی قدرت مداخله‌ی دلبخوانه را نداشته باشند.^a

Pettit, P. (1997). *Republicanism: A Theory of Freedom and Government*. Oxford: Clarendon Press,^a p. 52.

پتیت برای تأمین عدم سلطه، به نهادهای جمهوری خواه نیاز دارد: حاکمیت قانون، تفکیک قوا، مشارکت مدنی، و مقاومت برابر تجمع قدرت. این دیدگاه در دو دهه‌ی اخیر در نظریه‌ی دموکراسی مشارکتی و نقد نئولiberالیسم بسیار تأثیرگذار بوده است. کوئنتین اسکینر از منظر تاریخ‌نگاری کمربیج استدلال کرد که این مفهوم اصالتاً ریشه‌ی جمهوری خواه رومی دارد—در برابر سنت هابزی که آن را حذف کرد.^b

۵.۳ رویکرد قابلیت: سن و نوبام

آمارتیا سن رویکرد قابلیت (Capability Approach) را در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ معرفی کرد که بعداً مارتا نوبام آن را به شکل جامع‌تری توسعه داد. پرسش محوری این رویکرد: آزادی فرمال کافی نیست؛ مهم است که آیا مردم واقعاً قادر به استفاده از آزادی‌های خود هستند؟

قابلیت‌های مرکزی نوبام

Nobam فهرستی از ده قابلیت اساسی ارائه می‌دهد که هر جامعه‌ای باید آنها را تضمین کند، از جمله: زندگی، سلامت جسمی، تمامیت جسمانی، حواس/تخیل/اندیشه، احساسات، عقل عملی، ارتباط اجتماعی، ارتباط با دنیای طبیعی، بازی، و کنترل محیط سیاسی.^a

Nussbaum, M. (2011). *Creating Capabilities: The Human Development Approach*. Harvard University Press, pp. 33–34.

آزادی در رویکرد قابلیت دوگانه است: آزادی فرصت (داشتن گزینه‌ها) و آزادی فرآیند (تعیین سرنوشت). هر دو ضروری هستند. این رویکرد نزدیکترین نظریه به سنت آزادی مثبت است، اما با پایه‌ی تجربی‌تر و حساسیت بیشتر به تفاوت‌های فردی و بسترهای.

۶.۳ آزادی در مکاتب راست، چپ، و میانه

Skinner, Q. (1998). *Liberty before Liberalism*. Cambridge University Press.^v

یکی از جالبترین ابعاد مفهوم آزادی این است که هر طیف سیاسی ادعا می‌کند حامی اصیل آن است. جدول زیر این موضع را به صورت تطبیقی نشان می‌دهد:

جدول ۲: آزادی در مکاتب سیاسی: مقایسه‌ی تطبیقی

معیار	راست کلاسیک (لیبرتاویانیسم)	لیبرالیسم میانه	سوسیال‌دموکراسی	مارکسیسم
تعریف آزادی	عدم مداخله دولت	عدم مداخله + امکانات	قابلیت‌های واقعی	رهایی از کار بیگانه
دشمن اصلی	دولت و مالیات	استبداد + فقر	نابرابری ساختاری	سرمایه‌داری
رابطه با دولت	دولت حداقلی	دولت میانجی	دولت رفاه	دولت انتقالی
انسان‌شناسی	فرد اتمیستیک	فرد اجتماعی	شهروند اجتماعی	موجود طبقاتی
مشروعیت نابرابری	کامل (بازار)	مشروط (رالز)	حدود	نفی کامل
آزادی اقتصادی	اولویت اول	با بازتوزیع	تنظیم شده	جماعی شده
متفکران شاخص	هایک، فریدمن، نوزیک	رالز، دورکین، میل	(اصلاح شده)، سن	مارکس، لوکاج، گرامشی

۱.۶.۳ تنش‌های ساختاری: سه بحران اصلی –

۱. **تنش فرد/جامعه:** همهی نظریه‌های آزادی با این چالش دست‌وپنجه نرم می‌کنند که آزادی فرد تا کجاست و آزادی جمع از کجا آغاز می‌شود. لیبرالیسم کلاسیک به فرد تقدیم می‌دهد؛ جمهوری خواهی به فضای عمومی؛ مارکسیسم به طبقه.

۲. **تنش صوری/واقعی:** آزادی فرمال (حق رأی برابر) و آزادی واقعی (قدرت استفاده از آن حق) همیشه یکی نیستند. رویکرد قابلیت و سوسیال‌دموکراسی این شکاف را جدی‌ترین معضل می‌دانند.

۳. **تنش آزادی/امنیت:** هر گسترش آزادی‌های خاصی، گاهی امنیت یا برابری را به خطر می‌اندازد. این تنش در فلسفه‌ی سیاسی همیشه «حل‌نشده» باقی می‌ماند.

۷.۳ آزادی اگزیستانسیالیستی: انتخاب، مسئولیت، هستی

سنت اگزیستانسیالیستی آزادی را نه مسئله‌ی حقوق یا نهادها، بلکه ساختار هستی انسان می‌داند. [ژان پل سارتر](#) معروف‌ترین گزاره را بیان کرد: «وجود بر ماهیت تقدم دارد» – انسان چیزی نیست مگر آنچه خود می‌سازد؛ از این‌رو «محکوم به آزادی» است.^۸

[هانا آرنت](#) از زاویه‌ای سیاسی‌تر، آزادی را با [کنش](#) (action) پیوند زد: آزادی تنها در فضای عمومی و در لحظه‌ی شروع امر نو تحقق می‌یابد. این نگاه عمیقاً ضد روان‌شناسانه است – آزادی در درون ذهن نیست، بلکه در «بین ما» (inter homines esse) است.^۹

۸.۳ آزادی فمینیستی و پسااستعماری

فمینیسم بهخصوص از دهه‌ی ۱۹۷۰، نشان داد که مفاهیم لیبرالی آزادی بر انسانی نرینه، سفیدپوست، و طبقه‌ی متوسط بنا شده‌اند. [کارول پیتمان](#) استدلال کرد که قرارداد اجتماعی اصل‌اً یک «قرارداد جنسی» است که زنان را در حوزه‌ی خصوصی محبوس می‌کند.^{۱۰}

سنت پسااستعماری ([فانون](#), [اسپیواک](#), [بابا](#)) نشان داد که مفهوم مدرن آزادی با استعمار هم‌زمان بوده: اروپا درباره‌ی آزادی انسان سخن می‌گفت، در حالی که بخش عظیمی از بشریت را استثمار می‌کرد. آزادی پسااستعماری باید این تاریخ تراژیک را در خود حمل کند.

Sartre, J.-P. (1946/2007). *Existentialism is a Humanism*. New Haven: Yale University Press, p. 29.^۸

Arendt, H. (1961). *Between Past and Future*. New York: Viking, pp. 143–171.^۹

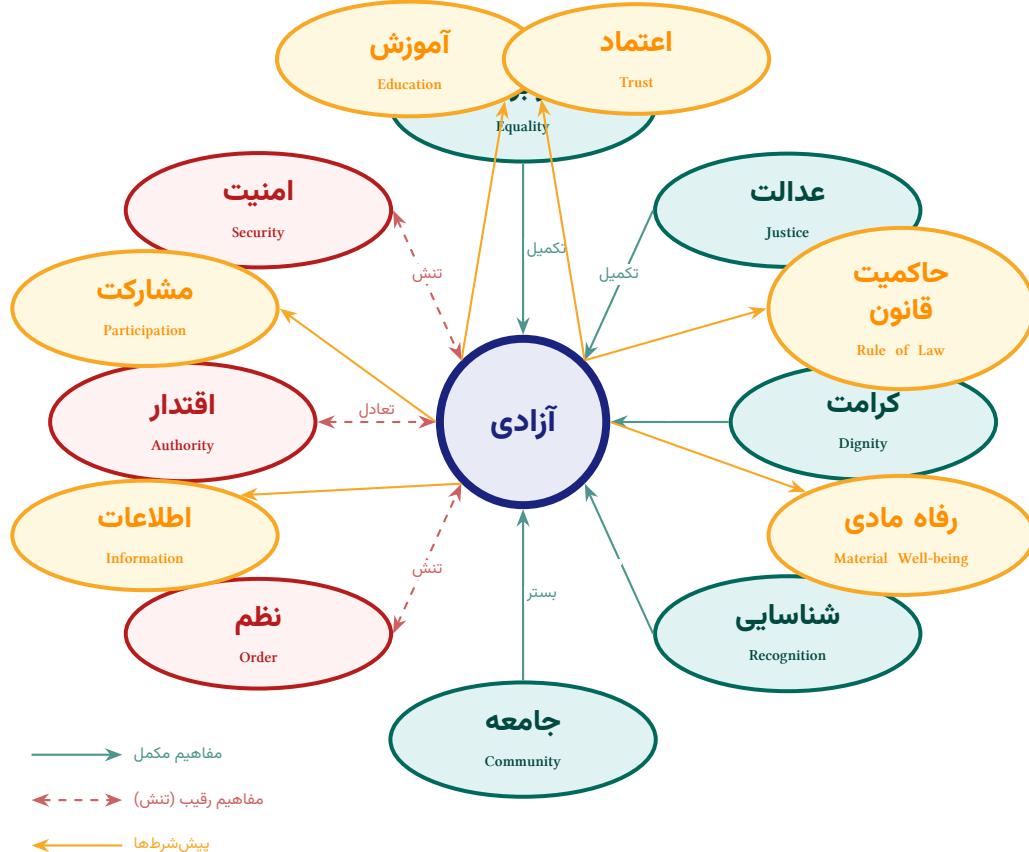
Pateman, C. (1988). *The Sexual Contract*. Stanford University Press.^{۱۰}

۴ مفاهیم مجاور و زیستبوم مفهومی آزادی

آزادی هرگز تنها نمی‌ایستد. آن را باید در یک «زیستبوم مفهومی» دید: مجموعه‌ای از مفاهیم که یا آزادی را تکمیل می‌کنند، یا با آن در تنش‌اند، یا شرط لازم آن هستند.

۱.۴ نقشه‌ی زیستبوم مفهومی آزادی

شکل ۵: زیستبوم مفهومی آزادی: مفاهیم مکمل، رقیب، و پیش‌شرط



۲.۴ مفاهیم مجاور: تشریح تطبیقی

۱. برابری در کنار آزادی

شاید بزرگترین تنش در فلسفه‌ی سیاسی، تنش آزادی-برابری است. [نوزیک](#) استدلال کرد که هر توزیع عادلانه برای تداوم نیازمند «نقض پیوسته‌ی آزادی» است.^a در نقطه‌ی مقابل، [رالز](#) آزادی‌های اساسی را بر برابری‌های اقتصادی مقدم می‌داند اما معتقد است آزادی‌های واقعی نیازمند حداقلی از برابری اجتماعی است.

Nozick, R. (1974). *Anarchy, State, and Utopia*. New York: Basic Books, p. 163.^a

۲. عدالت و آزادی

جان رالز استدلال کرد که «اصل آزادی» در اولویت اول قرار دارد—حتی قبل از عدالت اقتصادی. اما این دیدگاه پرسشی می‌گشاید: آیا آزادی بدون عدالت واقعی است؟ آمارتیا سن در نقد رالز نشان داد که عدالت بدون در نظر گرفتن «توانایی‌های واقعی» افراد انتزاعی می‌ماند.

۳. امنیت در برابر آزادی

این تنش در دوران پس از ۱۱ سپتامبر بهویژه شدت گرفت. هابز استدلال کرد امنیت شرط لازم آزادی است؛ اما چه مقدار امنیت توجیه‌گر کاهش آزادی است؟ بنیامین فرانکلین گفت کسی که آزادی را برای امنیت موقت می‌فروشد نه آزادی دارد نه امنیت.

۴. کرامت و آزادی

کرامت انسانی مفهومی است که در حقوق بین‌الملل بشری عمیقاً با آزادی گره خورده است. اما تنși وجود دارد: کرامت گاهی محدودیت‌هایی بر «آزادی بیان» ایجاد می‌کند—چنان‌که ممنوعیت «هتك حرمت» در برخی نظام‌های حقوقی. جرمی والدرون استدلال کرد این تنش اساساً حل‌پذیر نیست.

۵. شناسایی و آزادی

چارلز تیلور و اکسل هونت استدلال کردند که آزادی بدون شناسایی ناممکن است. انسانی که هویتش انکار می‌شود (از طریق تحقیر، بی‌دیدگی، یا طرد) نمی‌تواند آزاد باشد، حتی اگر هیچ «مانع قانونی» نداشته باشد. این نگاه پایه‌ی «سیاست‌های شناسایی» معاصر است.

۳.۴ دشمنان مفهومی: فهرست تفصیلی

جدول ۳: دشمنان مفهومی آزادی: تعریف، مکتب مقابله‌کننده، و نمونه‌ی تاریخی

دشمن مفهومی	تعریف	مکتب مقابله‌کننده	نمونه‌ی تاریخی
بردگی	سلب مالکیت فرد بر خود	باستان، آبولیشنیسم	رُم، جنوب آمریکا
استبداد	اقتدار دلخواهانه‌ی حاکم	جمهوری خواهی، لیبرالیسم	نازیسم، استالینیسم
سلطه	قدرت بدون تداخل ضروری	پتیت، جمهوری خواهی	ارباب-رعیتی
اجبار	فشار ارادی بر اراده‌ی دیگری	لیبرالیسم کلاسیک	تهدید، باج‌گیری
از خودبیگانگی	جدایی انسان از کارش و طبیعتش	مارکسیسم	کار صنعتی کارخانه‌ای
پدرسالاری	تصمیم‌گیری «برای خیر» دیگری	لیبرالیسم، اتونومیسم	دولت‌های پدرسالار
محرومیت	فقدان قابلیت‌های اساسی	رویکرد قابلیت	فقر شدید، بی‌سودایی
نرمال‌سازی	قدرت گفتمان‌های طبیعی‌کننده	فوکو، پسامدرنیسم	جنسیت، دیوانگی
بی‌شناسایی	انکار هویت و کرامت	تیلور، هونت	نزادپرستی، تحقیر سیستماتیک
استثمار	بهره‌کشی از کار دیگری	مارکسیسم، چپ	سرمایه‌داری انحصاری
جهل اپیستمیک	سکوت دادن به دانش دیگری	فریکر	تجربه‌ی گروه‌های حاشیه‌ای

۵ آثار اصلی نظریه‌پردازان: راهنمای مطالعه

راهنمای استفاده از این جدول

آثار به ترتیب اهمیت و تأثیرگذاری تاریخی فهرست شده‌اند. ستون «دشواری» بیانگر پیچیدگی متن برای خواننده‌ی فارسی‌زبان است.
 = تخصصی | = نیمه‌تخصصی | = قابل دسترس

مفهوم محوری	سطح	سال	اثر اصلی	نظریه‌پرداز
آزادی=شهروندی سیاسی		350 BC	سیاست (<i>Politics</i>)	ارسطو
اراده، فیض، گناه		395 AD	اراده‌ی آزاد (<i>De Libero Arbitrio</i>)	آگوستین
آزادی=غیبت مانع		1651	لویاتان (<i>Leviathan</i>)	هابز
حق طبیعی، رضایت		1689	دو رساله درباره‌ی حکومت	لک
اراده‌ی عمومی		1762	قرارداد اجتماعی	روسو
خودقانون‌گذاری		1788	نقد عقل عملی	کانت
اصل آسیب، فردیت		1859	درباره‌ی آزادی (<i>On Liberty</i>)	میل
آزادی=تحقیق عقل		1820	فلسفه‌ی حق	هگل
بیگانگی، رهایی		1844	دستنوشته‌های اقتصادی-فلسفی	مارکس
آزادی مدرن/bastani		1819	آزادی باستانی‌ها و مدرن‌ها	کنستان
منفی/ثبت		1958	دو مفهوم از آزادی	برلین
نظم خودجوش		1973	قانون، قانون‌گذاری، و آزادی	هایک
اصول عدالت		1971	نظریه‌ای درباره‌ی عدالت	رالز
آزادی=کنش		1961	بین گذشته و آینده	آرنت
حقوق فردی، حداقل دولت		1974	آنارشی، دولت، و اتوپیا	نوزیک
سه‌تایی آزادی		1967	آزادی منفی و ثبت (مقاله)	مکالوم
عدم سلطه		1997	جمهوری‌خواهی (<i>Republicanism</i>)	پتیت
ریشه‌ی جمهوری‌خواه		1998	آزادی قبل از لیبرالیسم	اسکینر

ادامه دارد...

مفهوم محوری	سطح	سال	اثر اصلی	نظریه‌پرداز
آزادی+ارزشیابی		1979	فلسفه و علوم انسانی (مقاله‌ی آزادی)	تیلور
هویت، شناسایی		1989	منابع خود (<i>Sources of the Self</i>)	تیلور
قابلیت، رهایی		1999	توسعه به مثابه آزادی	سن
قابلیت‌های مرکزی		2011	ایجاد قابلیت‌ها	نوسبام
به محکومیت آزادی		1946	اگزیستانسیالیسم و اومنیسم	سارتر
آزادی=گشودگی		1927	هستی و زمان (بخش‌هایی)	هایدگر
قدرت، مقاومت		1970	نظم گفتمان	فوکو
آزادی=برهم‌زدن نرم		1990	دردرس جنسیت (<i>Gender Trouble</i>)	باتلر
شناسایی=آزادی		1992	کشمکش برای شناسایی	هونت
رهایی استعمارزده		1961	دوزخیان زمین	فانون
فمینیسم، قرارداد		1988	قرارداد جنسی (<i>Sexual Contract</i>)	پیتمن
آزادی شناختی		2007	عدالت اپیستمیک	فریکر

آ پیوست الف: آزادی در سنت اسلامی-ایرانی

درباره‌ی این پیوست

این پیوست به سه بحث اصلی می‌پردازد: (۱) تقابل مفهوم آزادی اسلامی با بردگی یونانی؛ (۲) تنفس آزادی و استبداد در حکمرانی اسلامی-ایرانی؛ و (۳) بحث ایرانشهری و دیدگاه‌های طبقه‌بندی شده درباره‌ی اسلام و آزادی.

آ.۱ آزادی در برابر بردگی: تقابل اسلام و یونان باستان

آ.۱.۱ وضعیت بردگی در پولیس یونانی – همان‌طور که بیان شد، آزادی یونانی () بر پایه‌ی نظام برده‌داری ممکن بود. ارسسطو بردگی را «طبیعی» می‌دانست: برخی انسان‌ها به‌طور طبیعی برده‌اند و قادر به خودگردانی نیستند.^{۱۱} این نگاه آزادی سیاسی را برای اقلیت محفوظ می‌کرد و اکثریت را از آن محروم.

آ.۱.۲ پاسخ اسلامی: توحید و کرامت عمومی – اسلام از همان آغاز با رویکردی متفاوت وارد این مسئله شد. مفهوم توحیدی خداوند در اسلام پیامدی مستقیم برای آزادی داشت: اگر تنها خداوند رب است، پس هیچ انسانی به‌طور ذاتی «رب» انسان دیگری نیست.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَرَّةٍ وَأَنْشَأْنَاكُمْ شُعُوبًا وَجَعَلْنَاكُمْ شَعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارِفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَانُكُمْ» (حرات: ۱۳)

این آیه کرامت عمومی بشر را اعلام می‌کند. اگرچه اسلام بردگی را به‌طور فوری لغو نکرد، اما دو تحول مهم ایجاد کرد: (۱) **تشویق به آزادسازی برده** (itq) به عنوان عبادت؛ (۲) **حدودیت منابع بردگی** به اسرای جنگ-که خود بحث برانگیز بود.

آ.۱.۳ مقایسه‌ی تطبیقی: اسلام در برابر یونان –

آ.۲ آزادی و استبداد در حکمرانی: تنفس اصلی سنت اسلامی-ایرانی

اگر اسلام از یک سو کرامت عمومی را اعلام کرد، از سوی دیگر با معضل پیچیده‌ای روبرو شد: چه کسی و با چه مشروعيتی باید حکومت کند؟

آ.۲.۱ ساختار کلاسیک: امامت، خلافت، و سلطنت – سه نهاد تاریخی اصلی در دنیا اسلامی برای حکمرانی وجود داشته:

Aristotle, *Politics*, I, 2, 1252a–1255b.^{۱۱}

جدول ۵: مقایسه‌ی رویکرد اسلامی و یونانی به بردگی و آزادی

سنت اسلامی	یونان باستان	معیار
توحید - همه انسان‌ها عبد خدا	طبیعت (فوسیس) - طبیعی بودن بردگی	پایه‌ی کرامت
مجاز اما مستحب‌الزواں	طبیعی و ضروری (ارسطو)	نگاه به بردگی
عبدیت خدا (نه انسان دیگر)	شهروندی سیاسی	منبع آزادی
بله-همه انسان‌ها مکرم	خیر- فقط شهروندان	کرامت عمومی
تشویق شرعی به آزادسازی	باخرید، آزادسازی	مسیر رهایی
وسیله برای تکلیف الهی	اساسی و هدف	آزادی سیاسی
سازگاری بردگی با کرامت انسانی	آزادی بر بردگی بنا شده	تناقض اصلی

۱. **امامت** (دیدگاه شیعی): امام منصوب از سوی خدا/پیامبر؛ اطاعت از امام واجب است.
اما امام عادل باید باشد.

۲. **خلافت** (دیدگاه سنی کلاسیک): خلیفه نماینده امت است؛ باید عدالت را اجرا کند.
اما مشروعیتش دست‌کم تا حدی از بیعت می‌آید.

۳. **سلطنت** (Mulk): قدرت واقعی سیاسی که متكلمان اغلب آن را از لحاظ اخلاقی مشکوک می‌دانستند.

ابن‌خلدون در مقدمه تحلیل جامعه‌شناختی منحصر به فردی از قدرت ارائه داد: قدرت طبیعتاً^{۱۰} رو به فساد می‌رود (asabiyya) رو به زوال است)، و آزادی در نظام سلطانی ذاتاً شکننده است.^{۱۱}

آ ۲.۰.۲ بحث آزادی در اندیشه‌ی متكلمان -

فقه‌الحریه: مفهوم آزادی در فقه و کلام اسلامی

حریت (آزادی) در فقه اسلامی اول و آخر یک وضعیت حقوقی بود: در برابر عبودیت (بردگی). اما متكلمان آن را به دو حوزه‌ی مهم گسترش دادند:

الف. اختیار و جبر: بحث اصلی کلامی درباره‌ی آزادی اراده. معتزله اختیار انسانی را کامل می‌دانستند؛ اشاعره اراده‌ی الهی را مقدم می‌گرفتند؛ ماتریدیه موضعی میانه داشتند.

ب. آزادی سیاسی: امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک نهاد آزادی‌بخش-مشروط که قدرت حاکم را هم در بر می‌گیرد. اما در عمل این نهاد غالباً به حاشیه رانده شد.

Ibn Khaldun, *Muqaddimah*, tr. F. Rosenthal (Princeton, 1958), I, pp. 280–295.^{۱۲}

آ.۳. آ.۳ - بحث ایرانشهری: آزادی در سنت اندیشه‌ی سیاسی ایرانی

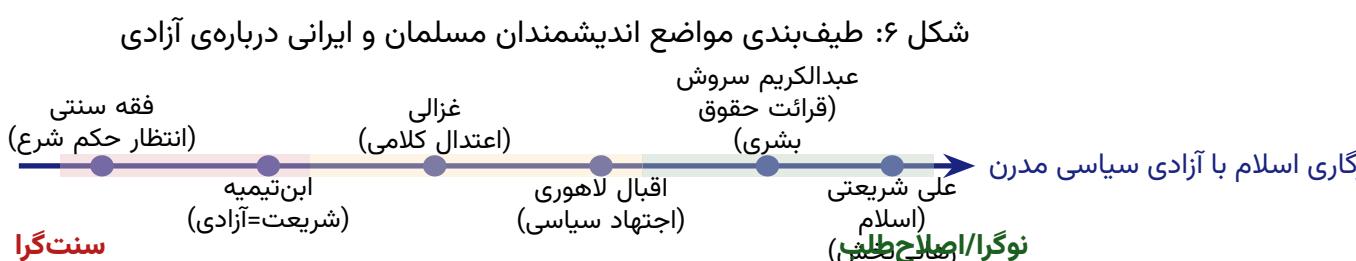
داریوش شایگان و بهویژه سیدجواد طباطبایی بحث «ایرانشهری» را مطرح کرده‌اند: آیا در سنت اندیشه‌ی ایرانی، مفهوم آزادی سیاسی به معنای مدرن آن وجود داشته؟

آ.۱.۳. سنت اندرزنامه‌ای و عدالت پادشاهی – در سنت اندرزنامه‌نویسی ایرانی (از خداینامه تا سیاستنامه نظام‌الملک)، آزادی مستقیماً مطرح نیست. آنچه هست مفهوم **عدالت** (dad) پادشاه است: پادشاه عادل نه از مردم باج ناروا می‌گیرد و نه بی‌دلیل زجر می‌دهد. این نوعی «آزادی از ظلم» است‌نه آزادی مشارکت سیاسی.

«پادشاهی و دین دو برادرند که هیچ‌گاه یکدیگر را رها نمی‌کنند. هر زمان که در دین خلل افتاد، در پادشاهی نیز خلل می‌افتد.» – نظام‌الملک، سیاستنامه

این سنت هرچند استبداد را محدود می‌کند، اما آزادی را از پایین نمی‌سازد‌از بالا آن را «اعطا» می‌کند.

آ.۲.۳. انتقاد طباطبایی: افول اندیشه‌ی سیاسی ایران – سیدجواد طباطبایی استدلال می‌کند که در دوران ورود اسلام، «ایرانشهر»‌سنت اندیشه‌ی سیاسی ایرانی که بر پادشاهی آرمانی و عدالت بنا شده بود‌با اسلام تلفیق شد، اما این تلفیق ناقص بود: اسلام سیاسی نه از سنت مشارکت یونانی، نه از سنت عدالت ایرانی به‌طور کامل بهره برد.^{۱۳}



آ.۳.۳. طبقه‌بندی مواضع درباره‌ی اسلام و آزادی –

^{۱۳} طباطبایی، س.ج. (۱۳۸۵). ابن خلدون و علوم اجتماعی. تهران: ققنوس.

جدول ۶: طبقه‌بندی رویکردهای اسلامی به آزادی سیاسی

نقد اصلی	نمایندگان	تعریف آزادی	رویکرد
ناتوانی در پاسخ به دولت مدرن	فقهای کلاسیک	آزادی=اجرای احکام شرع	فقه سنتی
خلط دین و سیاست	قطب، مودودی	آزادی=اجرای شریعت توسط دولت اسلامی	اسلام سیاسی
سازگاری ناقص	عبده، کواکبی	آزادی از استبداد شرقی، پذیرش نهادهای مدرن	اصلاح طلبی کلاسیک
آمیختگی با ناسیونالیسم	شریعتی، قرضاوی	آزادی=رهایی از استعمار و استثمار	رهایی بخشی اسلامی
متهم به سکولاریسم	سروش، شبستری	آزادی=بازخوانی نصوص با تأکید بر کرامت	نوهرمنویک
کمپایگاه در جوامع مسلمان	المسیری، النعیم	جدایی دین از دولت، حقوق بشر جهانی	اسلام لیبرال

ب پیوست ب: تشریح تکمیلی نکات تحلیلی

ب. ۱. ب. ۱ – انسان‌شناسی زیربنایی هر مکتب

مقدمه: هر نظریه‌ی آزادی یک تصویر از انسان دارد

پیش‌فرضهای انسان‌شناختی تعیین‌کننده‌ترین عامل در شکل‌گیری نظریه‌های آزادی هستند. اگر انسان را موجودی اجتماعی بدانی یا اتمیستیک، خودبسته یا وابسته، عاقل یا احساساتی‌پاسخ تو به «آزادی چیست» کاملاً تغییر خواهد کرد.

ب. ۲. ب. ۲ – تنش‌های ساختاری: پنج بحران حل نشده

تنش ساختاری اول: آزادی فردی در برابر آزادی جمعی

صورت‌بندی: تا کجا آزادی فرد مجاز است بر جامعه تأثیر بگذارد؟ اصل آسیب میل می‌گوید: تنها زمانی که به دیگران آسیب می‌زند. اما «آسیب» چه معنایی دارد؟ آیا فساد اخلاقی جامعه آسیب است؟ آیا برخی انتخاب‌های سبک زندگی بر فرهنگ مشترک آسیب می‌زند؟

جدول ۷: انسان‌شناسی زیربنایی مکاتب اصلی آزادی

نیجه‌ی سیاسی	خطر اصلی برای انسان	توانایی اصلی	تصویر انسان	مکتب
دولت حداقلی + بازار	مداخله‌ی دولت	محاسبه‌ی منفعت شخصی	اتم عاقل و خودبسته	لیبرالیسم کلاسیک
دولت رفاه محدود	محرومیت + اجبار	اراده‌ی اخلاقی + عقل	موجود اجتماعی با پروژه‌ی خودشکوفایی	لیبرالیسم ارزش‌مبنای
نهادهای مدنی قوی	سلطه‌ی خصوصی و عمومی	کنش در فضای عمومی	شهروند سیاسی نیازمند مشارکت	جمهوری‌خواهی
+ انقلاب + جامعه‌ی بی‌طبقه	استثمار اقتصادی	کار خلاق غیربیگانه	موجود طبقاتی-تولیدی	مارکسیسم
سیاست جنسیتی	+ پدرسالاری خشونت	عاملیت زنانه	موجود جنسیتی-بدنمند	فمینیسم
اخلاق فردی	فرار از مسئولیت (بدایمانی)	انتخاب اصیل	موجود رها در وجود + بدون ماهیت ثابت	اگزیستانسیالیسم
سیاست توسعه‌ی انسانی	محرومیت قابلیتی	شکوفایی چندبعدی	موجود با قابلیت‌های خاص، متفاوت	رویکرد قابلیت
+ شریعت امارت	گناه + طغیان	تكلیف الهی	عبد-خلیفه (بنده و جانشین خدا)	سنن اسلامی (سننی)
دموکراسی+اسلام	استبداد + استعمار	عقل + ایمان	موجود کرامتمند با اجتهاد	سنن اسلامی (اصلاح طلب)
سیاست‌های هویتی	نرمال‌سازی قدرت	مقاومت و بازنی‌ی خود	موجود ساخته‌شده توسط گفتمان	پسامدرنیسم (فوکو)

گرهگاه: این تنش در مباحث آزادی بیان (نفرتپراکنی)، آزادی مذهب، و آزادی سبک زندگی امروز کاملاً زنده است.

پاسخ‌های رقیب:

- لیبرالیسم: تنها آسیب‌های مستقیم مجاز هستند محدودیت را توجیه کنند.
- جامعه‌گرایی: آزادی اجتماعی‌نه فردی‌اصل است؛ جامعه مجاز به محدود کردن خودفروپاشی است.
- پتیت: تداخل تنها زمانی ناقض آزادی است که دلخواهانه باشد‌نه آنگاه که بر اساس قانون و با مشارکت همگان صورت گیرد.

تنش ساختاری دوم: آزادی صوری در برابر آزادی واقعی

صورت‌بندی: حق رأی یکسان برای همه وجود دارد. اما کسی که بی‌سواد است، در فقر زندگی می‌کند، و رسانه‌ها دسترسی ندارد‌آیا واقعاً آزاد است که رأی بدهد؟

گرهگاه: تمایز «آزادی از» (رفع مانع قانونی) و «آزادی برای» (توانایی واقعی) اینجا نقطه‌ی تقابل اصلی است.

پاسخ‌های رقیب:

- لیبرتاریانیسم: آزادی صوری کافی است؛ نابرابری نتیجه‌ی انتخاب‌های آزاد است.
- رالز: اولین اصل آزادی‌های اساسی را تضمین می‌کند، اما اصل دوم از نابرابری‌های مضر جلوگیری می‌کند.
- سن: بدون قابلیت‌های واقعی، آزادی صوری بی‌معناست.

تنش ساختاری سوم: آزادی و اقتدار

صورت‌بندی: هر نظام سیاسی نوعی اقتدار دارد. حتی لیبرالیسم حداقلی به دولت نیاز دارد تا حقوق را اجرا کند. پس نظم اجتماعی همیشه «آزادی» را محدود می‌کند. سؤال این نیست که آیا محدودیت باشد، بلکه کدام محدودیت و از طریق چه روندی.

گرهگاه: مشروعیت اقتدار چه رابطه‌ای با آزادی دارد؟

- هابز: اقتدار قوی شرط لازم آزادی است‌بدون لویاتان، آزادی طبیعی به جنگ همه علیه همه تبدیل می‌شود.
- لاك: اقتدار تنها وقتی مشروع است که از رضایت مبتنی بر حق طبیعی برآمده باشد.
- آرنت: اقتدار و آزادی هر دو به فضای عمومی نیاز دارند؛ یکی بدون دیگری ممکن نیست.

تنش ساختاری چهارم: آزادی و هویت

صورت‌بندی: آیا آزادی مستلزم «خود بدون تعهد» (Unencumbered Self) است – چنان‌که لیبرالیسم کانتی فرض می‌کند – یا ما همیشه درون یک سنت، فرهنگ، و هویت آزادیم؟

مایکل سندل استدلال کرد که «خود بدون تعهد» توهمنی است: ما از پیش در جوامع اخلاقی فرو رفته‌ایم که آزادی ما را شکل می‌دهند.^a

پاسخ لیبرال: ما می‌توانیم از هویت‌های خود انتقادی داشته باشیم. آزادی نه خلاء است، بلکه توانایی بازنگری در تعهدات است.

Sandel, M. (1982). *Liberalism and the Limits of Justice*. Cambridge University Press, p. 179.^a

تنش ساختاری پنجم: آزادی و مسئولیت

صورت‌بندی: اگر آزادی واقعی است، پس مسئولیت کامل هم واقعی است. اما اگر شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی انتخاب‌های ما را محدود می‌کنند، آیا «مسئولیت کامل» عادلانه است؟

سارتر: هیچ بهانه‌ای قابل قبول نیست. «محکوم به آزادی» یعنی محکوم به مسئولیت کامل.

مارکسیسم: این ایدئولوژی «مسئولیت شخصی» است که فقر ساختاری را توجیه می‌کند.

رالز: جایگاه اجتماعی-اقتصادی را انتخاب نکرده‌ایم؛ عدالت باید «شانس‌های دلبخواهانه» را خنثی کند.

ب. ۳. ب - سنت تحلیلی و قاره‌ای: یک گفتگوی ناتمام

یکی از مهمترین شکاف‌های فلسفه‌ی معاصر، شکاف بین سنت تحلیلی و قاره‌ای است. هر دو درباره‌ی آزادی حرف می‌زنند، اما نه به یک زبان.

در دهه‌های اخیر تلاش‌هایی برای گفتگوی این دو سنت صورت گرفته. هابرماس با «نظریه‌ی کنش ارتباطی» (Communicative Action) تلاش کرد دقت سنت تحلیلی را با عمق سنت قاره‌ای ترکیب کند: آزادی نه در ذهن فردی بلکه در فضای گفتگوی غیرتحریف‌آمیز (ایده‌آل گفتاری) تحقق می‌یابد.^{۱۴}

Habermas, J. (1984). *The Theory of Communicative Action*. Boston: Beacon Press.^{۱۴}

جدول ۸: مقایسه‌ی رویکرد تحلیلی و قاره‌ای به مفهوم آزادی

معیار	متغیر	سنت تحلیلی	سنت قاره‌ای
روش	تحلیل منطقی مفاهیم، وضوح تعریف	تفسیر، پدیدارشناسی، گفتگمان	
پرسش اصلی	«آزادی دقیقاً یعنی چه؟»	«آزادی چه تجربه‌ای است؟»	
متغیر شاخص	برلین، رالز، پتیت، سن، مکالوم	هایدگر، سارتر، فوکو، باتلر	
نسبت با دولت	مستقیم و سیاسی	غالباً انتقادی-غیرمستقیم	
نگاه به ساختار	غالباً نهادگرا	غالباً ساختار انتقادی	
نقشه‌ی ضعف	انتزاع از واقعیت زندگی قدرت	ابهام در توصیه‌های سیاسی	
نقشه‌ی قوت	دقت مفهومی، قابل آزمون	حساسیت به قدرت پنهان	

ب. ۴. ب – آزادی در مکاتب راست، چپ و میانه: تحلیل تقابلی

چارچوب تحلیل

یکی از کلیدی‌ترین محورهای تقابل در نظریه‌ی آزادی، جایگاه آن در طیف چپ-میانه- راست است. این تقابل صرفاً سیاسی نیست؛ بلکه بر سر تعریف بنیادین آزادی، نسبت آن با برابری، و نقش دولت است.

کانون اصلی دعوا: آیا بازار آزاد، آزادی را گسترش می‌دهد یا محدود می‌کند؟

این سؤال بنیادی‌ترین اختلاف راست و چپ مدرن است:

موضوع راست/لیبرتاریان (هایک، فریدمن): بازار آزاد تنها مکانیسمی است که بدون اقتدار مرکزی، هماهنگی اجتماعی را ممکن می‌کند. مداخله‌ی دولت در اقتصاد، صرفنظر از نیت، به سرفداری ختم می‌شود.^a

موضوع چپ/سوسیال‌دموکرات (پولانی، رالز): قدرت بازار، شکلی از سلطه‌ی نامرئی است. کارگری که تنها گزینه‌اش پذیرش شرایط نامنصفانه‌ی کارفرماست، «آزادانه» قرارداد نمی‌بندد—او در موقعیتی شبه‌اجباری قرار دارد.^b

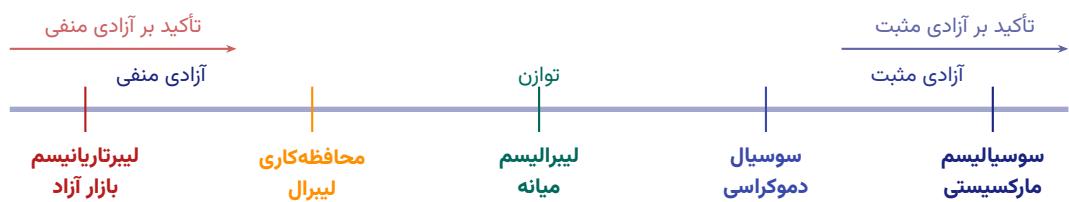
موضوع جمهوری‌خواهانه (پتیت): هر دو می‌توانند اشتباہ کنند. آزادی نه رهایی از دولت است، نه رهایی از بازار، بلکه رهایی از سلطه‌ی دلخواهانه‌خواه منشأ آن عمومی باشد یا خصوصی.

Hayek, F. (1944). *The Road to Serfdom*. Chicago: University of Chicago Press.^a

Polanyi, K. (1944). *The Great Transformation*. Boston: Beacon Press, p. 257.^b

جدول ۹: آزادی از منظر طیفهای فکری سیاسی

معیار	راست لیبرتاریان	لیبرال میانه	سوسیال دموکراسی	چپ رادیکال
تعریف آزادی	رهایی از مداخله دولت	خودفرمانی در قوانین عادلانه	برابری شرایط واقعی	رهایی از سرمایه‌داری
نوع آزادی	منفی + بازار آزاد	منفی + مثبت محدود	مثبت + برابری	(Eman-cipation)
نقش دولت	حقوق پاسبان	برطرف‌کننده موانع تنظیم‌گر:	رفاهی: توزیع‌کننده قابلیت‌ها	ابزار طبقه یا کمون خودگردان
رابطه برابری با	برابری در برابر قانون (نه نتیجه)	برابری فرصت‌ها	برابری های پایه	برابری ساختاری اقتصادی
دشمن اصلی آزادی	دولت بزرگ + مالیات	تبغیض + استبداد	فقر + نابرابری + پاترناالیسم	سرمایه‌داری + امپریالیسم
نظریه‌پرداز شاخص	هایک، نوزیک، فریدمن	رالز، دوورکین، برلین	گیدنز، دنی رو دریک، سن	مارکس، گرامشی، فانون
ریشه‌ی انسان‌شناختی	اتم خودبسند، عاقل	شخص اخلاقی با حقوق ذاتی	موجود اجتماعی نیازمند	- موجود طبقاتی - رهایی طلب
نقطه‌ی کور	قدرت اقتصادی نابرابری‌های ساختارهای پنهان	بی‌توجهی به ساختارهای پنهان	احتمال پاترناالیسم دولتی	خطر اقتدارگرایی انقلابی



ب. ۵ - آزادی در سنت پسااستعماری و فمینیستی

بازتعریف آزادی از بیرون از مرکز

سنت‌های پسااستعماری و فمینیستی، نه تنها محتوای تعریف آزادی، بلکه چه کسی و از کجا آن را تعریف می‌کند را به چالش کشیده‌اند. این سنت‌ها نشان دادند که «آزادی جهانی» ادعاهشده در فلسفه‌ی لیبرال، اغلب آزادی مرد-سفیدپوست-اروپایی بوده است.

فانون و آزادی استعمارزده: فرانتس فانون در *The Wretched of the Earth* (۱۹۶۱) استدلال کرد که استعمار نه فقط آزادی سیاسی، بلکه سوبیکتیویته‌ی انسانی ملت‌های مستعمره را سلب کرده است. آزادی مستلزم «رهایی روانی»-شکست هویت ساخته شده توسط استعمارگر- پیش از هر آزادی سیاسی است.^{۱۵}

اسپیوواک و سکوت زیردست: گایاتری اسپیوواک در مقاله‌ی «آیا زیردست می‌تواند سخن بگوید؟» (۱۹۸۸) نشان داد که ساختارهای گفتمانی چگونه صدای گروههای حاشیه‌ای را از پیش ناشنیدنی می‌کنند. آزادی بیان بدون ساختارهای شنیدن، ناقص است.^{۱۶}

فمینیسم و آزادی بدن: سیمون دو بووار در *The Second Sex* (۱۹۴۹) نشان داد که «آزادی» مردانه بر مبنای تعریف زن به عنوان «دیگری» (the Other) ساخته شده است. آزادی واقعی مستلزم از دست دادن این ساختار دوگانه‌ی سوزه-ابژه است.^{۱۷}

جودیت باتلر این انتقاد را به حوزه‌ی هویت جنسی گسترش داد: جنسیت یک عملکرد تکراری (performativity) است، نه یک ذات ثابت. آزادی به معنای برهمن زدن این اجراهای تکراری است.^{۱۸}

ب.۶ – آزادی در عصر دیجیتال: چالش‌های معاصر

آزادی در قرن بیست و یکم: سه چالش جدید

انقلاب دیجیتال، هوش مصنوعی، و نظارت همه‌گیر، سه چالش بی‌سابقه برای هر نظریه‌ی آزادی ایجاد کرده‌اند که با چارچوب‌های کلاسیک به سختی قابل تحلیل هستند.

Fanon, F. (1961/2004). *The Wretched of the Earth*. New York: Grove Press, p. 2.^{۱۵}
Spivak, G. C. (1988). Can the Subaltern Speak? In C. Nelson & L. Grossberg (Eds.), *Marxism and the Interpretation of Culture*. Urbana: University of Illinois Press, pp. 271–313.^{۱۶}

de Beauvoir, S. (1949/2011). *The Second Sex*. New York: Vintage Books, p. 6.^{۱۷}
Butler, J. (1990). *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*. New York: Routledge, p. 25.^{۱۸}

جدول ۱۰: گسترش انتقادی مفهوم آزادی: سنت‌های پسااستعماری و فمینیستی

متفكر	انتقاد اصلی از آزادی لیرال	تعريف جایگزین	برنامه‌ی سیاسی
فانون	فراموشی آسیب روانی استعمار	رهایی روانی-هویتی	انقلاب ضداستعماری
اسپیوواک	گفتمان که صداحا را می‌بلعد	آزادی گفتمانی + نمایندگی	بازسازی ساختارهای گوش‌دهی
دو بووار	آزادی مردانه بر قربانی زن	آزادی متقابل (Reciprocal)	برابری جنسیتی + استقلال
باتلر	هویت ثابت بازار قدرت است	آزادی اجرایی-تکرارشکنانه	سیاست کوئیر + اغتشاش جنسیتی
بِل هوکس	آزادی سفید فمینیسم موج دوم	آزادی تقاطعی (Intersectional)	فمینیسم ضدنژادپرست

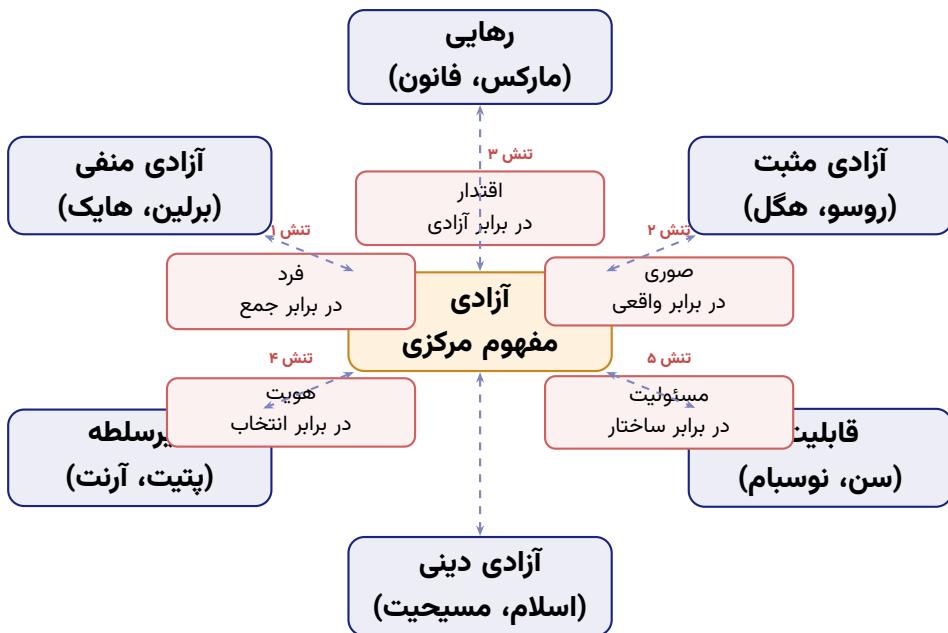
یک: معماری پنهان انتخاب (**Nudge Architecture**): (*Nudge* تالر و سانستین در ۲۰۰۸) نشان دادند که چطور طراحی محیط انتخاب می‌تواند رفتار را بدون اجبار رسمی هدایت کند. این «پدرسالاری آزادی‌پرور» (Libertarian Paternalism) چالشی برای تعریف کلاسیک آزادی ایجاد می‌کند: آیا وقتی معماری پنهانی انتخاب ما را شکل می‌دهد هنوز «آزادانه» تصمیم می‌گیریم؟^{۱۹}

دو: سرمایه‌داری نظارتی (**Surveillance Capitalism**): (*The Age of Surveillance Capitalism* در ۲۰۱۹) استدلال کرد که اقتصاد داده، یک شکل کاملاً جدید از قدرت ایجاد کرده که تجربه‌ی انسانی را به عنوان مواد خام استخراج و به رفتار قابل پیش‌بینی تبدیل می‌کند. این نه سلطه‌ی دولت است نه بازار سنتی، بلکه چیزی است که مفاهیم آزادی کلاسیک برای توصیف آن ساخته نشده‌اند.^{۲۰}

سه: آزادی الگوریتمی و تبعیض پنهان: تبعیض الگوریتمی نشان داده که سیستم‌های به‌ظاهر بی‌طرف می‌توانند شکل‌های تاریخی نابرابری را بازتولید کنند. برای رویکرد قابلیتی سن، این به معنای محرومیت قابلیت غیرمرئی است که در معماری زیرساخت‌های دیجیتال تعبیه شده.

ب.۷ - جمع‌بندی: نقشه‌ی تنش‌های حل‌نشده

- Thaler, R. & Sunstein, C. (2008). *Nudge: Improving Decisions about Health, Wealth and Happiness*. New^{۱۹} Haven: Yale University Press.
- Zuboff, S. (2019). *The Age of Surveillance Capitalism*. New York: PublicAffairs, p. 8.^{۲۰}



نتیجه‌گیری پیوست ب: آزادی-مفهومی که هیچ‌گاه بسته نمی‌شود

فلسفه‌ی آزادی در وضعیتی است که گالی آن را «مفهوم ذاتاً مورد مناقشه» (Essentially Contested Concept) نامید: مفهومی که ارزیابی‌های رقیب نه از سوءتفاهم، بلکه از تعهدات ارزشی متفاوت ناشی می‌شوند.^a

این بدان معنا نیست که «هر تعریفی درست است». بلکه به این معناست که:

۱. هر نظریه‌ی آزادی باید درباره‌ی انسان‌شناسی خود صادق باشد.
۲. هر نظریه باید تنش‌های درونی خود را بشناسد و آدرس دهد.
۳. هیچ نظریه‌ای نمی‌تواند ادعای جامعیت بدون قربانی‌کردن برخی ارزش‌ها داشته باشد.
۴. کار نظریه‌پرداز آزادی نه حل نهایی، بلکه شفافسازی معاوضه‌ها (trade-offs) است.

در سنت تحلیلی، این صداقت مفهومی خود نوعی آزادی فکری است-آزادی از توهمندی نظام‌های بسته.

Gallie, W. B. (1956). Essentially Contested Concepts. *Proceedings of the Aristotelian Society*, 56,^a

167–198.

کتاب‌شناسی و منابع

ساختار کتاب‌شناسی

منابع در پنج دسته ارائه شده‌اند: (۱) آثار کلاسیک بنیادین، (۲) آثار تحلیلی معاصر، (۳) سنت قاره‌ای، (۴) سنت اسلامی-ایرانی، (۵) مطالعات تطبیقی و منابع فارسی.

الف. آثار کلاسیک بنیادین

- Aristotle. *Politics*. Trans. C.D.C. Reeve. Indianapolis: Hackett, 1998. .۱
- Augustine of Hippo. *De Libero Arbitrio [On Free Will]*. In P. King (trans.), *Against the Academicians and The Teacher*. Indianapolis: Hackett, 1995. .۲
- Hobbes, T. (1651/1994). *Leviathan*. Ed. E. Curley. Indianapolis: Hackett. .۳
- Locke, J. (1689/1988). *Two Treatises of Government*. Ed. P. Laslett. Cambridge: Cambridge University Press. .۴
- Rousseau, J.-J. (1762/1968). *The Social Contract*. Trans. M. Cranston. Harmondsworth: Penguin. .۵
- Kant, I. (1785/1998). *Groundwork for the Metaphysics of Morals*. Trans. M. Gregor. .۶
- Cambridge: Cambridge University Press.
- Mill, J.S. (1859/1978). *On Liberty*. Ed. E. Rapaport. Indianapolis: Hackett. .۷
- Hegel, G.W.F. (1820/1991). *Elements of the Philosophy of Right*. Trans. H.B. Nisbet. .۸
- Cambridge: Cambridge University Press.
- Marx, K. (1844/2007). *Economic and Philosophic Manuscripts of 1844*. Trans. M. Milligan. Mineola: Dover. .۹
- Constant, B. (1819). "The Liberty of Ancients Compared with That of Moderns." In B. Fontana (Ed.), *Political Writings*. Cambridge: Cambridge University Press, 1988. .۱۰

ب. آثار تحلیلی معاصر (قرن ۲۰-۲۱)

- دو مفهوم [» Berlin, I. (1969). *Four Essays on Liberty*. Oxford: Oxford University Press. .۱۱
از آزادی« مقاله‌ی کلیدی این مجموعه است]
- Rawls, J. (1971). *A Theory of Justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press. .۱۲

- Rawls, J. (1993). *Political Liberalism*. New York: Columbia University Press. .۱۳
- Nozick, R. (1974). *Anarchy, State, and Utopia*. New York: Basic Books. .۱۴
- Hayek, F.A. (1960). *The Constitution of Liberty*. Chicago: University of Chicago Press. .۱۵
- MacCallum, G.C. (1967). "Negative and Positive Freedom." *Philosophical Review*, 76(3), .۱۶
312–334.
- Taylor, C. (1979). "What's Wrong with Negative Liberty?" In A. Ryan (Ed.), *The Idea of Freedom*. Oxford: Oxford University Press. .۱۷
- Pettit, P. (1997). *Republicanism: A Theory of Freedom and Government*. Oxford: .۱۸
Clarendon Press.
- Pettit, P. (2014). *Just Freedom: A Moral Compass for a Complex World*. New York: .۱۹
W.W. Norton.
- Skinner, Q. (1998). *Liberty before Liberalism*. Cambridge: Cambridge University .۲۰
Press.
- Sen, A. (1999). *Development as Freedom*. New York: Anchor Books. .۲۱
[توسعه به مثابه آزادی. ترجمه: محمدسعید نوری نائینی. تهران: نشر کویر]
- Nussbaum, M. (2011). *Creating Capabilities: The Human Development Approach*. .۲۲
Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Sandel, M. (1982). *Liberalism and the Limits of Justice*. Cambridge: Cambridge Uni-. .۲۳
versity Press.
- Dworkin, R. (2000). *Sovereign Virtue: The Theory and Practice of Equality*. Cambridge, .۲۴
MA: Harvard University Press.
- Raz, J. (1986). *The Morality of Freedom*. Oxford: Clarendon Press. .۲۵
- Fricker, M. (2007). *Epistemic Injustice: Power and the Ethics of Knowing*. Oxford: .۲۶
Oxford University Press.

ج. سنت قاره‌ای و پسامدرن

- Sartre, J.-P. (1946/2007). *Existentialism is a Humanism*. Trans. C. Macomber. New .۲۷
Haven: Yale University Press.
- Arendt, H. (1958). *The Human Condition*. Chicago: University of Chicago Press. .۲۸

- Arendt, H. (1961). *Between Past and Future*. New York: Viking. .۳۹
- Heidegger, M. (1927/1962). *Being and Time*. Trans. J. Macquarrie & E. Robinson. .۴۰
New York: Harper & Row.
- Foucault, M. (1970). *The Order of Discourse [Inaugural lecture]*. Trans. R. Young. .۴۱
London: Routledge, 1981.
- Foucault, M. (1977). *Discipline and Punish*. Trans. A. Sheridan. New York: Pantheon. .۴۲
- Butler, J. (1990). *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*. New York: .۴۳
Routledge.
- Habermas, J. (1984). *The Theory of Communicative Action* (Vol. 1). Trans. T. Mc- .۴۴
Carthy. Boston: Beacon Press.
- Taylor, C. (1989). *Sources of the Self: The Making of the Modern Identity*. Cambridge, .۴۵
MA: Harvard University Press.
- Honneth, A. (1992/1995). *The Struggle for Recognition*. Trans. J. Anderson. Cam- .۴۶
bridge: Polity Press.
- Pateman, C. (1988). *The Sexual Contract*. Stanford: Stanford University Press. .۴۷
- Fanon, F. (1961/2004). *The Wretched of the Earth*. Trans. R. Philcox. New York: Grove .۴۸
Press.
- Spivak, G.C. (1988). "Can the Subaltern Speak?" In C. Nelson & L. Grossberg (Eds.), .۴۹
Marxism and the Interpretation of Culture. Urbana: University of Illinois Press.

د. سنت اسلامی-ایرانی

۴۰. ابن خلدون (۱۳۸۰). مقدمه‌ی ابن خلدون. ترجمه: محمدپروین گنابادی. تهران: علمی و فرهنگی.
۴۱. نظام‌الملک (۱۳۸۵). سیاست‌نامه. ویرایش: محمد قزوینی. تهران: زوار.
۴۲. غزالی (۱۳۸۱). نصیحة الملوك. ویرایش: جلال‌الدین همایی. تهران: انجمن آثار ملی.
۴۳. طباطبایی، سیدجواد (۱۳۸۵). ابن‌خلدون و علوم اجتماعی. تهران: ققنوس.
۴۴. طباطبایی، سیدجواد (۱۳۷۵). زوال اندیشه‌ی سیاسی در ایران. تهران: کویر.
۴۵. شایگان، داریوش (۱۳۸۱). افسون‌زدگی جدید. تهران: فرزان.
۴۶. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۰). بسط تجربه‌ی نبوی. تهران: صراط.

. ۴۷. شریعتی، علی (۱۳۷۵). اسلام‌شناسی. تهران: الهام.

An-Na'im, A. (1990). *Toward an Islamic Reformation: Civil Liberties, Human Rights, and International Law*. Syracuse: Syracuse University Press. . ۴۸

Soroush, A. (2000). *Reason, Freedom, and Democracy in Islam*. Trans. & ed. M. Sadri & A. Sadri. Oxford: Oxford University Press. . ۴۹

۵. منابع فارسی و مطالعات تطبیقی

. ۵۰. آقایی، بهمن (۱۳۹۰). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: نشر علم.

. ۵۱. بشیریه، حسین (۱۳۸۴). لیبرالیسم و محافظه‌کاری. تهران: نشر نی.

. ۵۲. بشیریه، حسین (۱۳۸۰). آموزش دانش سیاسی. تهران: نشر نگاه معاصر.

. ۵۳. زیبا کلام، صادق (۱۳۷۷). سنت و مدرنیته. تهران: روزنہ.

. ۵۴. کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۴). ایرانیان: دوران باستان تا دوره‌ی معاصر. ترجمه: عبدالله کوثری. تهران: نشر مرکز.

Carter, I., Kramer, M., & Steiner, H. (Eds.). (2007). *Freedom: A Philosophical Anthology*. Oxford: Blackwell. . ۵۵

Miller, D. (Ed.). (1991). *Liberty*. Oxford: Oxford University Press. . ۵۶

پایان مقاله

نوشته‌ی مهدی سالم

۳ اسفند ۱۴۰۴ - ۲۲ فوریه ۲۰۲۶

MahdiSalem.com